

روش‌های پرورش خلاقیت هنر نقاشی در دوره آموزش ابتدایی

مرجان نادری گرزالدینی

کارشناس گرافیک، کارشناس ارشد پژوهش هنر

چکیده

در سال‌های اخیر فعال کردن دانش آموز در امر یادگیری مورد تأکید نظام آموزشی قرار گرفته است. هدف از فعال کردن دانش آموزان پرورش خلاقیت آنان است. امروزه علم روان‌شناسی به ما می‌گوید که فرایند خلاقیت ذاتی نیست. بی‌تردید در پرورش و ایجاد خلاقیت در دانش آموزان، معلمان نقش اساسی ایفا می‌کنند.

خلاقیت قابل پرورش و رشد است و این امر مستلزم به‌کارگیری اصول و روش‌های خاصی است. معلم در هر مرحله از آموزش می‌تواند با بهره‌گیری از طرح مسائلی و مباحث برای دانش آموزان و روش‌های متنوع تدریس، خلاقیت را در آنان پرورش دهد. دانش آموز باید از حالت شنونده و غیرفعال به حالت گوینده و فعال تبدیل شود و کلاس به جای «معلم‌محور»، به صورت «دانش‌آموز‌محور» اداره شود.

در کلاس دانش‌آموز‌محور، معلم نقش یاری‌دهنده و راهنما را دارد و راه‌های یادگیری را به دانش‌آموزان می‌آموزد تا آن‌ها با استفاده از نیروی خلاقیت و ابتکار خود، مسیر و روش یادگیری را جست‌وجو کنند. به این ترتیب، دانش‌آموز محور اصلی توجه به کلاس می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نظام آموزشی، پرورش خلاقیت، معلم، یادگیری، دانش‌آموز

اهداف

می‌دهد. بزرگ‌ترین کمک معلم به پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، کمک به آن‌ها برای یافتن عوامل مؤثر بر خلاقیت و گسترش آن‌هاست.

رویکرد برنامه‌درسی هنر «تربیت هنری» است؛ انجام فعالیت هنری در فضایی که کودکان آزادانه تخیل کنند، ظرفیت‌های نهفته هوش، عواطف و احساساتشان پرورش یابد و خلاقیت‌هایشان شکوفا شود. امروزه همه متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که هنر و فعالیت‌های هنری بهترین فرصت را برای یادگیری بهتر

امروزه موفق‌ترین نظام‌های آموزشی بر خلاقیت در تدریس تأکید می‌کنند؛ زیرا موفقیت فردی، اجتماعی و اقتصادی هر کشوری در گرو مهارت‌های تفکر خلاق است. به‌طور کلی، فضایی که کودکان در آن خلاقیت خود را بروز می‌دهند، به آموزش، تجربه و پرورش فکری و جسمی آن‌ها بستگی دارد. همه کودکان از انواع هوش برخوردارند. هوش همراه با آموزش مناسب و کسب تجربه، مهارت‌های لازم برای خلاق بودن را در اختیار آنان قرار





فراهم می‌آورد. بنابراین، درس هنر توان آن را دارد که محور سامان‌دهی آموزش در دوره ابتدایی باشد؛ زیرا همه معلمان این دوره برای درس‌های متفاوت از هنرهایی چون نقاشی، کاردستی، قصه، نمایش و... استفاده می‌کنند.

باتوجه به اهمیت موضوع در این مقاله سعی شده است راه‌هایی برای پرورش خلاقیت هنری دانش‌آموزان در دوره ابتدایی ارائه شود، زیرا خلاقیت هسته اصلی برنامه درسی محسوب می‌شود و مدرسه خلاق با تمرکز بر پرورش دانش، مهارت‌های پایه و مهارت‌ها و نگرش‌های خلاقیت‌آمیز، دانش‌آموزانی خلاق تحویل می‌دهد.

مقدمه

مبحث خلاقیت عاملی کلیدی برای نیل به اهداف جامعه مرفعی است. سعادت بشریت و ادامه بقای جوامع تنها در گرو رشد و توسعه خلاقیت است. همه جوامع برای رشد و بقای خود به اندیشه‌های نو و نظریات بدیع نیاز دارند. افکار جدید حیات تازه‌ای را به کالبد جامعه تزریق می‌کند و آن را از فنا و نابودی می‌رهاند. در گذشته ابزارهای سنتی تولید اقتصادی، مواد خام، کار سخت و پول بودند اما اکنون آنچه که هر جامعه‌ای به آن بیش از پیش نیاز دارد، استفاده از خلاقیت در عرصه تولید است.

در دنیای امروز، نه تنها به تولید فرآورده، بلکه به ایجاد دگرگونی هم نیاز داریم. در مقابل مصالح سخت، باید مصالح نرم خلاقیت بشری، تفکر خلاق و روابط انسانی خلاقیت‌آمیز هم وجود داشته باشد. مجموعه دستاوردهای بشر در زمینه‌های گوناگون علمی، فرهنگی و هنری حاصل خلاقیت و نوآوری انسان‌هایی بوده است که در طول سال‌ها با به‌کارگیری تجربیات پیشینیان و بالفعل کردن استعدادهاى نهفته خویش، به شکل امروزی خود درآمده است. بر هیچ کس پوشیده نیست که زندگی ما به یمن خلاقیت‌هایی که در مسیر پیشرفت

مهارت‌های فردی در انجام کارهای هنری و توانایی‌های خاص است» (حسینی، ۱۳۹۰: ۷۲).

* بعد شناختی خلاقیت مبتنی بر تفکر واگراست.

تفکر بر دو نوع است: تفکر همگرا و تفکر واگرا.

تفکر واگرا عبارت است از فرایند ترکیب و نوآوری اطلاعات و نمادهای کسب شده موجود در حافظه درازمدت» (وثوقی، ۱۳۸۵: ۴).

افراد دارای تفکر واگرا می‌کوشند پدیده‌ها و امور را آن‌چنان که هستند، به راحتی نپذیرند بلکه نگاه متفاوت‌تری داشته باشند و از قالب‌های فکری همسان دور شوند. در حالی که تفکر همگرا فرایندی است که در آن، از حقایق، تداعی‌ها و ترکیب آن‌ها برای رسیدن به یک جواب معین، مشخص و صحیح استفاده می‌شود. تفکر همگرا مبتنی بر استدلال منطقی دقیقی است، لذا جایی که نیاز به یک پاسخ مستدل نیاز

علم و فناوری و ساخت وسایل رفاهی نوین به کار گرفته شده‌اند، راحت‌تر از گذشتگان است؛ این شرایط را مدیون ایده‌های خلاقانه مخترعان و پیگیری دانشمندان هستیم.

تمام حوزه‌های فعالیت بشر قابلیت بهره‌برداری از تفکر خلاق را دارند. بالا بودن ظرفیت خلاقیت می‌تواند موجب غنای زندگی شود و به مشارکت در ساختن جامعه‌ای بهتر کمک کند. خلاقیت به قشر خاصی از افراد جامعه محدود نمی‌شود بلکه همه ما ظرفیت تفکر خلاق داریم. می‌توانیم فکر و نظر تولید کنیم و در هر فعالیتی به دنبال دستاوردهای ابتکاری گوناگون باشیم.

تعریف خلاقیت

«- خلاقیت^۱ تلاش برای یک تغییر هدف‌دار است.

- خلاقیت به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است» (وثوقی، ۱۳۸۵: ۴).

ابعاد خلاقیت

«خلاقیت در سه بُعد انگیزشی، غیرشناختی و شناختی می‌گنجد.

* بُعد انگیزشی خلاقیت به انگیزه درونی و بیرونی فرد مربوط است. در انگیزه درونی، انجام عمل به واسطه علاقه‌مندی شخص به موضوع بدون توجه به پاداش بیرونی است، ولی در انگیزه بیرونی انجام عمل به دلیل رسیدن به هدف دیگری است.

* بُعد غیرشناختی خلاقیت، مربوط به



است، به تفکر همگرا احتیاج داریم. در تفکر همگرا، فکرهای جدید و نو کمتر مطرح می‌شوند و افراد امور را آن‌چنان که هستند، می‌پذیرند.

از بُعد شناختی خلاقیت، نظریه دیگری زیر عنوان «تفکر افقی و تفکر عمودی» مطرح است. تفکر عمودی دارای فرایند زنجیره‌ای است که هر حلقه آن در پی حلقه بعدی می‌آید و هر حلقه از زنجیره این تفکر باید معتبر باشد. تفکر عمودی منطقی است و جهت مشخصی در آن دنبال می‌شود. در حالی که تفکر افقی به صورت فرایند زنجیره‌ای نیست و نیاز به توالی مراحل ندارد بلکه به راه‌ها و جهت‌های مختلفی می‌رسد، در گستره سطح حرکت می‌کند و به سوی گوشه‌ها و جوانب دارد. تفکر افقی معادل تفکر واگرا و خلاق است که قالب‌های ذهنی را تغییر می‌دهد و قالب‌های جدیدی ایجاد می‌کند.

اهداف برنامه درسی هنر

اهداف درس هنر در سه حیطه دانش،

مهارت و نگرش تدوین شده‌اند. هدف از حیطه دانش، آشنا ساختن دانش‌آموزان با طبیعت، رشته‌های گوناگون هنری، ابزار و مواد هر یک از رشته‌های هنری و میراث فرهنگی و هنری است.

در حوزه مهارت، اهدافی چون توسعه مهارت‌های حسی، گفتاری و حرکتی، قابلیت‌های تفکر، و توانایی بیان افکار و احساسات در قالب‌های هنری مطرح هستند و هدف از حوزه نگرشی پرورش حس زیباشناختی، خودباوری و مشارکت در فعالیت‌های گروهی است.

مطالعات نشان داده‌اند که هنر ظرفیت‌های فراوانی برای رشد مهارت‌های دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون، از جمله مهارت کلامی و غیرکلامی فراهم می‌کند. در واقع، فعالیت هنری شامل رشد تجارب بصری و ایجاد شرایط لازم برای شکوفایی خلاقیت و تخیل کودکان و آشنا کردن آن‌ها با شیوه‌های بیانی مختلف است.

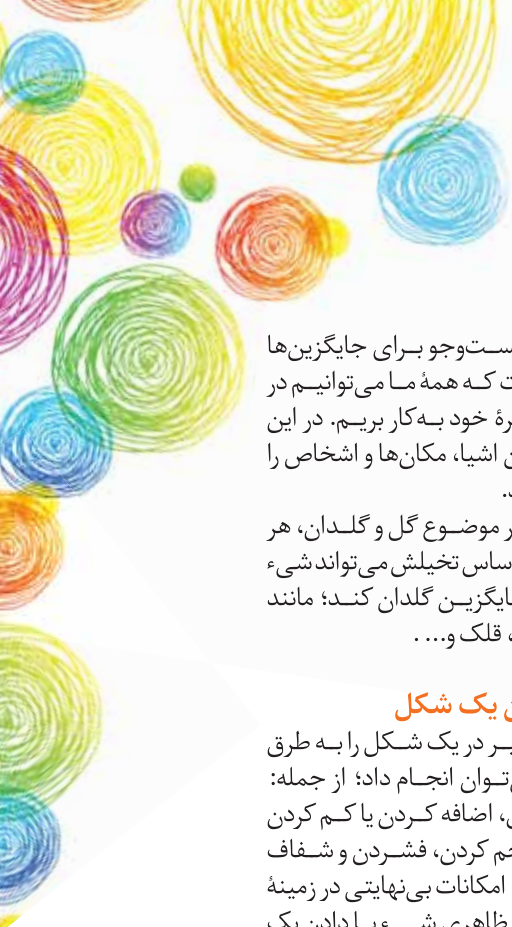
تربیت هنری در مدارس موجب اعتدالی نظام آموزشی و افزایش خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود و محیط آموزشی را به محیطی دلپذیر برای آنان تبدیل می‌کند. آشنایی با حل مسئله در حین اجرای کارهای هنری از مواردی است که به دانش‌آموزان کمک می‌کند، مسائل ذهنی خود را ساده‌تر حل کنند.

پرورش خلاقیت از طریق نقاشی

تحقیقات ثابت کرده‌اند که یادگیری زمانی به بهترین شکل صورت می‌گیرد که توأم با عمل باشد. لذا فعالیت‌های هنری بهترین فرصت را برای یادگیری فراهم می‌آورند.

کودکان معمولاً به نقاشی علاقه‌مندند. نقاشی یک وسیله بیانی برای کودک است؛ بدین معنی که کودک به کمک نقاشی، دنیای درونی و تجارب شخصی‌اش را به تصویر می‌کشد و از طریق آن با دنیای بیرون و دیگران ارتباط برقرار می‌کند. «نقاشی علاوه بر فراهم





آمده‌اند. جست‌وجو برای جایگزین‌ها روشی است که همه ما می‌توانیم در زندگی روزمره خود به کار بریم. در این روش می‌توان اشیا، مکان‌ها و اشخاص را جایگزین کرد.

تمرین: در موضوع گل و گلدان، هر دانش‌آموز براساس تخیلش می‌تواند شیء دیگری را جایگزین گلدان کند؛ مانند چکمه، کلاه، قلک و...

تغییر دادن یک شکل

ایجاد تغییر در یک شکل را به طرق مختلف می‌توان انجام داد؛ از جمله: ایجاد برش، اضافه کردن یا کم کردن عناصر آن، خم کردن، فشردن و شفاف ساختن آن. امکانات بی‌نهایتی در زمینه تغییر شکل ظاهری شیء با دادن یک معنی جدید به آن وجود دارد.

ترکیب موضوعات نامتجانس

«ترکیب موضوعات نامربوط و ساختن یک چیز جدید از آن‌ها، واژه‌ها و کلماتی به کودک داده می‌شود (در حد چهار واژه) و از او خواسته می‌شود با آن‌ها ترکیب مناسبی به وجود آورد؛ مانند چتر، ماه، ماهی، کلاه و... این تمرین باعث می‌شود کودک با استفاده از تخیل خود به ایجاد رابطه بین موضوعات بپردازد» (مک لئود و تامسون، ۱۳۸۸: ۱۰).

نقاشی از آرزوها و رؤیاها

موضوعاتی مانند آرزوها و رؤیاها برای کودکان تخیل برانگیزند. خیال‌پردازی نوعی تخیل است. در خیال‌پردازی آنچه در خیال می‌آید، چندان شباهتی به جهان واقعی ندارد. بنابراین، خلاقیت و تخیل هر چند متفاوت‌اند، اما کاملاً مرتبط‌اند. خلاقیت مستلزم به کارگیری قدرت تخیل و تجسم است. نمونه‌های زیادی از پیشرفت‌های علمی با بهره‌گیری از تخیل شکل گرفته‌اند.

کار گروهی

فعالیت گروهی تولید افکار جدید را

که هیچ علاقه‌ای برنمی‌انگیزد.

روش‌های مؤثر در پرورش خلاقیت نقاشی

از الزامات و روش‌های مهم برای تبلور خلاقیت، ایجاد فضای محرک، مستعد و به‌طور کلی خلاق است. علاوه بر اینکه محیط مدرسه برای چنین فضایی باید مهیا باشد، معلم نیز به‌نوبه خود باید زمینه لازم و فضای مطلوب را برای دانش‌آموزان فراهم سازد.

«کودکان خلاق، به معلمان خلاق نیاز دارند و کلاس پرستشگر موجب پرورش خلاقیت می‌شود؛ جایی که معلم و دانش‌آموز پرسش‌های چالش‌برانگیز مطرح می‌کنند، فکرها و نظرها به روش‌های مختلف دیداری، بدنی و کلامی عرضه می‌شوند، راه‌حل‌های تازه‌ای برای مسائل یافت می‌شوند، و دانش‌آموزان درگیر آفرینش فکرهای تازه، به کارگیری تخیل و یافتن دستاوردهای تازه و ابتکاری می‌شوند» (فیشر و ویلیامز، ۱۳۸۸: ۱۰). بنابراین، برای تحقق این امر روش‌های کاربردی پرورش خلاقیت هنری را به شرح زیر پیشنهاد می‌کنیم:

روش معکوس‌سازی

تقریباً هر چیزی را می‌توان معکوس کرد. در واقع این روش نوعی تغییر و جابه‌جایی دور از انتظار است که موجب شکل‌گیری ایده‌های خلاق می‌شود. برای مثال، ضعیف نیرومند و نیرومند ضعیف می‌شود. کوچک بزرگ و بزرگ کوچک نشان داده می‌شود.

تمرین: موضوع نقاشی آزاد است و از دانش‌آموز خواسته می‌شود، عوامل موضوع را که به یکدیگر مرتبط‌اند، جابه‌جا کند. برای مثال، مورچه بزرگ‌تر از فیل شود و موش به دنبال گربه بدود.

روش جایگزینی

بسیاری از ایده‌های خلاق از طریق جست‌وجو برای یک جزء جانشین به‌وجود

آوردن رضایت کودک، به او اعتماد به نفس می‌دهد و دخالت او را بر دنیای بیرونی امکان‌پذیر می‌سازد. هنگامی که کودک نقاشی می‌کند، در واقع حالت روحی و احساسات زمان حاضر و احساسات ژرف‌تر خود را بیان می‌کند» (فراری، ۱۳۶۷: ۶۶).

نقاشی برای کودک وسیله‌ای است برای شناخت، پرسش و طرح مسائل و مشکلات. با استفاده مناسب از هنر نقاشی می‌توان تفکر خلاق در کودکان را توسعه داد. کودکان تخیلات خود را با استفاده از ابزار و مواد گوناگون به‌صورت اثر هنری ارائه می‌کنند و در این فرایند، علاوه بر کشف راه‌های مناسب، به بیان هنری نیز دست می‌یابند. بدین ترتیب بین ابزار، تفکرات، احساسات و تخیلات خود ارتباطی تازه برقرار می‌سازند و به پدیده‌های اطراف خود نگاهی متفاوت پیدا می‌کنند. بنابراین، به‌منظور ایجاد فرصت برای بروز خلاقیت در کودکان باید آن‌ها را در یافتن راه مناسب بیان هنری، آزاد گذاشت. «با مجبور کردن کودک به محترم شمردن قواعد ثابت، کار هنری که برای کودک کششی خود به خودی دارد، جذابیتش را از دست می‌دهد» (همان: ۱۹۴).

معلم، با وسعت بخشیدن به شناخت کودک یا نفوذ در تخیلات او، می‌تواند به طرق مختلف بر رفتار بیانی او اثر بگذارد. «وظیفه معلم هم‌طراز کردن کار دانش‌آموزان نیست بلکه او باید با در نظر گرفتن نیروی خلاقه دانش‌آموز و با تشویق محرکات شخصی، نیروی خلاق او را اعتلا بخشد» (همان: ۱۹۳). دخالت کامل مربی نیز مردود است. نخستین وظیفه مربی، دخالت به منظور تقویت اثر «عوامل مساعد» بیانی و مخصوصاً حذف عوامل منفی و پدیدار کردن عوامل مناسب است. تجربه نشان داده است که «دخالت کامل»، مانند تحمیل موضوع‌های اجباری، نتیجه‌ای مشابه با نتیجه نقاشی‌های قراردادی و قالبی دارد



آسان می‌سازد. از جنبه‌های مثبت دیگر کار گروهی، کمک متقابل و ممنوعیت کمتر است. این کار تمرین خوبی برای غنی کردن اطلاعات و پرورش نیروی تخیل در وجود کودک است. در کار گروهی دانش‌آموزان به نقش دیگران پی می‌برند و همکاری، هماهنگی و مشورت را یاد می‌گیرند. همکاری گروهی انواع متفاوتی دارد. از جمله اینکه ممکن است دانش‌آموزان نزدیک به هم روی یک کاغذ و با همکاری یکدیگر نقاشی بکشند یا هر کدام روی کاغذی جداگانه نقاشی مخصوص به خود را ترسیم کنند. برای اینکه این کار گروهی مثبت باشد، هر یک از افراد گروه باید حس کند که اگر کمک گروه نبود، کار انجام نمی‌شد. بدین ترتیب هر عضو گروه، خود را با محتوای عاطفی و فکری جدید غنی‌تر خواهد کرد.

تلفیق موسیقی و نقاشی

موسیقی مانند رنگ برای کودکان گیراست؛ زیرا ریتم آن را فوری حس می‌کنند. قلم مو نیز ریتم مخصوص به خود دارد، همچنان که موسیقی رنگ خود را دارد. می‌توان کودکان را عادت داد تا با گوش دادن و حس کردن موسیقی نقاشی کنند و با تعقیب حرکات موسیقی، ارزش خط و رنگ را بفهمند. در واقع، موسیقی می‌تواند ریتم بین خط و هماهنگی رنگ‌ها را روشن کند. بدین ترتیب کودک یاد می‌گیرد که با نقاشی می‌توان علاوه بر معرفی اشیا و اشخاص، احساسات، حرکات، ریتم، صدا و حالات روانی را نیز بیان کرد» (فراری، ۱۳۶۷: ۱۹۱-۱۹۰).

تجربه

«تجربه از عوامل مهم برای دست یافتن به ایده‌های نو و خلاق است. تجربه را می‌توان به‌طور مستقیم کسب کرد یا اینکه از طریق خواندن، شنیدن، تماشا کردن و... به دست آورد. با گردش در طبیعت، مشاهده نمونه‌های طبیعی در کلاس،

و بازدید از موزه‌ها کارگاه‌های هنری، و نمایشگاه‌های عکس، اسلاید و فیلم، شناخت و تجربه دانش‌آموزان را از هر موضوع کامل کنید و دید آن‌ها را نسبت به برنامه وسعت دهید.

مطالعه

مطالعه تصور را تغذیه می‌کند. قدرت تصور با داستان‌های خیالی مناسب برانگیخته می‌شود» (اسبورن، ۱۳۶۸: ۶۰).

تصویرسازی کلمه

کلمه‌ای عنوان شود و دانش‌آموزان برای آن یک جمله بسازند. سپس آن جمله را نقاشی کنند؛ مثال:
- دوست

«من با دوستم فوتبال بازی می‌کنم.»

نقاشی از تضادها

نقاشی از تضادهایی مانند گریه و خنده، غم و شادی، زشت و زیبا و... مستلزم به‌کارگیری اندیشه توسط کودکان است. در پایان هر جلسه چند دقیقه را به ارزشیابی فعالیت‌های هنری اختصاص دهید. به این ترتیب، هر دانش‌آموز پس از انجام فعالیت، کار خویش را به نمایش می‌گذارد. دانش‌آموزان همه نمونه‌ها را می‌بینند و در مورد آن‌ها گفت‌وگو می‌کنند. آن‌ها یاد می‌گیرند که درباره کار خود و هم‌کلاسی‌هایشان اظهار نظر کنند تا نکته‌های مثبت کارها بارز شود، روش‌های تازه‌ای برای اجرا بیابند و به تدریج هر چه را در ذهن تجسم می‌کنند، به راحتی اجرا کنند.

نتیجه

معلم خلاق با تمرکز بر پرورش نگرش‌ها و مهارت‌های خلاقیت‌آمیز، دانش‌آموزانی خلاق‌تر تحویل خواهند داد. معلم باید شرایطی در کلاس ایجاد کند که دانش‌آموزان درگیر آفرینش فکرهای تازه، به‌کارگیری تخیل و یافتن دستاوردهای تازه و ابتکاری شوند.

با تقویت روحیه پرسشگری و کنجکاوی در دانش‌آموزان و نیز پرهیز از مقایسه دانش‌آموزان با یکدیگر، می‌توان فرصت‌های لازم را برای ابداع و ابتکار آنان به‌وجود آورد.

از تبعات اجرای کارهای هنری آشنایی با حل مسئله است. مهارت‌یابی در این امر به دانش‌آموز کمک می‌کند مسائل ذهنی خود را ساده‌تر حل کند و نیز در روند انجام فعالیت‌های هنری از تفکر تخیلی بهتری برخوردار شود.

در نهایت، به‌کارگیری گسترده امور هنری در مدارس، محیط آموزشی را به محیطی دلپذیر برای دانش‌آموزان تبدیل می‌کند.

* پی‌نوشت

1. Creativity

* منابع

۱. اسبورن، الکس اف. پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت. ترجمه حسن قاسم‌زاده. انتشارات نیلوفر. چاپ اول. ۱۳۶۸.
۲. آدر، جان. آموزش مهارت‌های تفکر خلاق. ترجمه ابودر کرمی. نشر سایه سخن. چاپ اول. ۱۳۹۱.
۳. پیکرینگ، جان. مبانی هنرهای تجسمی کودکان. ترجمه مرضیه قره‌داغی. نشر دنیای نو. چاپ دوم. ۱۳۸۶.
۴. ترونس، نی‌پال. خلاقیت. ترجمه حسن قاسم‌زاده. نشر دنیای نو. چاپ چهارم. ۱۳۸۷.
۵. توماس، گلین وی، مخبر عباس. مقدمه‌ای بر روان‌شناسی نقاشی کودکان. ترجمه عباس مخبر. نشر طرح نو. چاپ اول. ۱۳۷۰.
۶. حسینی، افضل سادات. یادگیری خلاق، کلاس خلاق. انتشارات مدرسه. چاپ پنجم. ۱۳۹۰.
۷. فراری، آنا اولیویو. نقاشی کودکان و مفاهیم آن. ترجمه عبدالرضا صرافان. انتشارات نگاه. ۱۳۶۷.
۸. مک، لئود و تامسون، ریچارد. خلاقیت و نوآوری در همه حال. ترجمه شهرام رفیعیان. نشر آسیم، چاپ اول، تهران. ۱۳۸۸.
۹. فیشر، رابرت و مری ویلیامز. شکوفاسازی خلاقیت. ترجمه ناتالی چوبینه. نشر بیک بهار. ۱۳۸۸.
۱۰. وثوقی، فرزاد. فناوری خلاقیت، ماهنامه هنری سگال. شماره هشتم. پاییز ۱۳۸۵.